

شناسایی و احیای تراث اسلامی سخت‌ترین کار روزگار ماست



علی بهرامیان، فهرست‌نگار نسخ خطی و مدیر بخش اسناد دایرة المعارف بزرگ اسلامی معتقد است، برای تبیین فلسفه و کلام سرزمین ایران باید میراث گذشته احیا شود بنابراین احیای تراث اسلامی یکی از سخت‌ترین کارهای روزگار ماست و هنوز آموزش و پرورش ایران نتوانسته افراد توانمند در شناسایی و احیای این میراث فکری و فرهنگی را تربیت کند.

رساله‌ها و نسخه‌های خطی در شاخه‌های مختلف علمی و فرهنگی از جمله فلسفه و کلام یکی از میراث‌های کهن و ارزشمند تمدن ایران اسلامی است که برمبنای آن آراء و نظریات مختلفی شکل گرفته است که امروزه از آن با عنوان «فلسفه اسلامی» یاد می‌شود. این میراث فکری که از آن با عنوان «تراث اسلامی» یاد می‌شود، باب ورود معاصران به دنیای گذشته و تفکر شکل گرفته در آن سال‌هاست. از چند سال گذشته پژوهشگران و نهادهایی برای شناسایی، تصحیح و انتشار این تراث پا به عرصه تحقیق گذاردند، این فتح باب نیز به دور از مسائل فنی و علمی نیست. علی بهرامیان، فهرست‌نگار نسخ خطی و مدیر بخش اسناد دایرة المعارف بزرگ اسلامی اعتقاد دارد، دوره «زریاب خویی»ها و «دانش‌پژوه»ها به سر آمده و هنوز نتوانسته‌ایم تصحیحی منقح از آثار ابن‌سینا تولید و منتشر کنیم.

• آقای بهرامیان بی‌شک رساله‌ها و نسخه‌های خطی جزو تراث اسلامی در تمدن ایران است. امروزه هم بسیاری از پژوهشگران درصدد احیای این میراث مکتوب هستند. به نظر شما با این میراث فکری و فرهنگی به جا مانده باید چه کنیم؟ در اهمیت تراث و میراث اسلامی جای هیچ بحثی نیست. همین بس که این میراث ارتباط ما با گذشته تاریخی را امکان‌پذیر می‌سازد. اگر ما بخواهیم به تاریخ اندیشه، سیاست و حتی تاریخ در گذشته‌های دور راهی پیدا کنیم لاجرم باید به میراث مکتوب خود رجوع کنیم. به موضوع خوبی اشاره کردید که در این وضعیت کنونی با این میراث به جا مانده باید چه کنیم. موزه‌ها و کتابخانه‌های سراسر دنیا مملو از این نسخه‌ها و رساله‌های خطی هستند که البته شناسایی آنها هم کار دشواری است. پس در اینجا اهمیت فهرست‌نویسی خودش را نشان می‌دهد باید بگویم فهرست‌نویسی یکی از مهمترین گام‌های موثر در شناسایی تراث اسلامی است.

• باتوجه به اینکه فهرست‌نویسی را جزو گام‌های اول برای احیای تراث اسلامی عنوان کردید آیا آموزش و پرورش ایران توانسته افراد متخصص برای این کار را تربیت کند؟

به نکته خوبی اشاره کردید اصولاً وضعیت آموزش و پرورش کشور ما و کشورهای اسلامی با آنچه به عنوان مثال در سیزده قرن گذشته بوده متفاوت است. در سیزده قرن گذشته اشخاص با نحوه ویژه آموزشی پرورش داده می‌شدند که ماحصل درخشانی داشت که از میان آنها می‌توانیم به امثال بیرونی، غزالی، ابن‌سینا و خواجه نصیرها اشاره کنیم. درست است که این فلاسفه استعداد شخصی داشتند اما یک طرفی بودند که جامعه می‌توانست آنها را پر کند؛ به عبارتی شیوه آموزش آنها به گونه‌ای بود که امثال ابن‌اندیشمندان تربیت می‌شدند.

با این مقدمه می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که یکی از دلایل سختی شناسایی و انتشار میراث گذشته برای معاصران در همین نوع تربیت و آموزش است. بهترین مصححان متن‌های رساله‌های خطی در این یک قرن اخیر کسانی بودند که خود را همانند فرهنگ آن دوره تربیت کردند. امثال مرحوم علامه قزوینی که تصحیح دقیقی از متون داشته کسی بوده است که به مانند حکمای پیشین تربیت شده بود یعنی آدم جامع‌الاطرافی بود. شعر و ادب و عربی و فلسفه و منطق و همه اینها را به خوبی می‌دانست.

• با این توضیح، پاسخ شما به پرسش قبلی من منفی است؟

بله. آموزش و پرورش ایران هنوز نتوانسته برای کارهایی از این قبیل افراد متخصص پرورش دهد. برای اینکه شناسایی میراث گذشته چندان کار آسانی نیست. کتابخانه‌ای است که مجلدات فراوانی از نسخه‌های خطی دارد که باید فهرست‌نویسی شود تا مولف موضوع، نوع کتابت، نوع کاغذ و آرایش هنری آن مسجل شود. متأسفانه به دلیل نبود شناسایی‌های درست رساله‌های بی‌شماری را به ابن‌سینا منتسب کرده‌اند. یک فهرست‌نگار نسخه‌های خطی باید محققى درجه یک باشد تا به مواردی که اشاره کردم اشراف به دست بیاورد.

ممکن است در یک نسخه خطی ۳۰ تا ۴۰ رساله وجود داشته باشد که باید کتابشناسی درستی بر آنها انجام شود که این هم مرحله مهمی است یعنی اگر فهرست‌نگار نتواند فهرست درستی از نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها تنظیم کند نقض غرض کرده است تا آنجا که من می‌دانم این دستگاه‌های فرهنگی برای این مجموعه‌ها افراد متخصص تربیت نمی‌کند. صرف داشتن مدرک دکترای ادبیات نمی‌شود یک نسخه تصحیح کرد. در یک کلام یکی از سخت‌ترین کارهای فرهنگی در روزگار ما تصحیح نسخه‌های خطی است. نسخه‌شناسی هم تجربه می‌خواهد هرچه نسخه به عصر مولف نزدیک باشد کمتر مورد تحریف قرار می‌گیرد.

• در بخشی از صحبت‌های خود به وجود مصححان متبحر در یک قرن گذشته اشاره کردید. کمی درباره نوع کار این مصححان بفرمایید؟

در روزگار ما استادان درجه اولی بودند. همان‌طور که گفتم این محققان خود را مانند علما و حکمای پیشین تربیت کرده بودند یکی از آنها مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه است که فهرست‌نویسی جزو جوهر دانش وی بود. علامه زریاب‌خویی به واقع از دیگر محققان برجسته‌ای بود که در امر فهرست‌نویسی کارهای بی‌بدیلی انجام داد. مرحوم زریاب‌خویی هیچ‌گاه دچار جوزدگی قومی و قبیله‌ای نشد؛ موضوعی که متأسفانه امروز به دلیل دورافتادن مردم از میراث‌های گذشته در میانشان دیده می‌شود. وی به عنوان یک آذربایجانی نخستین مقاله درباره زبان فارسی نوشت و هیچ‌گاه خود را از ملیت خویش دور نکرد.

• در میان موسسات انگشت‌شماری که برای احیای تراث اسلامی تاسیس شدند پژوهشگاه‌هایی نیز به وجود آمدند که بیشتر به انتشار کارهای پژوهشی پژوهشگران خود اقدام می‌کنند در حالی که برای تبیین فلسفه و کلام سرزمین ایران باید میراث گذشته احیا شود. این دورافتادگی پژوهشگاه‌ها از احیای تراث اسلامی را چگونه تبیین می‌کنید؟

با شما موافقم. پژوهشگاه‌های ما با آن دستگاه‌های عریض و طویل خود تنها به چاپ آثار اعضای هیات علمی خود همت می‌گمارند. در حالی که غربی‌ها درباره نویسندگان خود مانند شکسپیر تصحیحات مختلفی از آثار او را چاپ کردند. باعث سرافکندگی ما ایرانیان است که هنوز نتوانستیم از کتاب «قانون» ابن‌سینا نثری منقح ارایه کنیم. در حالی‌که این اندیشمندان تاریخ اندیشه ایران را ساختند. امروزه ما دچار نوعی افراط و تفریط در اقدامات فرهنگی و علمی خود شده‌ایم به قول استاد ملکیان از کتاب‌ها و افراد مرده سوال مرده می‌کنیم. در مباحثی قلم‌فرسایی می‌کنیم که چندان ربطی به ما ندارد و در کل سردرگم هستیم.

هنوز که هنوز است از برخی درباره جو فرهنگی قرن دوم و سوم سوال می‌کنند در حالی‌که دیگر جای بحث این مسایل در روزگار ما نیست. تاکید من بر این نکته است که موضوعات مورد بحث در دنیای امروز به ویژه در سرزمین ایران موضوعاتی است که اصیل نیست. ما باید این دیدگاه را در خودمان تقویت کنیم که با «دید نو» به میراث گذشته خود نگاه کنیم. برای شناسایی تاریخ موسیقی ایران یا باید به عربی مسلط باشیم تا بتوانیم تاریخ موسیقی را به درستی بخوانیم یا اینکه مصححان خوبی داشته باشیم تا بتوانند این تاریخ را برای ما ترجمه کنند که البته استاد عبدالله انوار این کار را در رساله‌های ابن‌سینا به انجام رسانده است.

• به موضوع افراط و تفریط در اقدامات فرهنگی و علمی اشاره کردید آیا ما دچار نگاه ایدئولوگ و یا ناسیونالیستی به فضای موجود ایران پس از ظهور اسلام هستیم؟

بله. امثال ابن‌سینا پس از ظهور اسلام در ایران به نوشتن رساله‌های خود آن هم به زبان عربی اقدام کردند. متأسفانه نگاه ایرانی‌ها به ایران پس از حمله اعراب یا یک نگاه ایدئولوژیک است یا یک نگاه ناسیونالیستی. حمله مغول نیز در این نوع نگاه جای می‌گیرد. باید توجه داشته باشیم که ظهور اسلام یا حمله مغول یا اقوام دیگر باعث از بین رفتن مآخذ تاریخ ایران نمی‌شود اما گاهی محققان با جزم‌نگری خود از آن عبور می‌کنند. اگر مراکز تحقیقاتی ما نیز بدون هدف‌گذاری به دنبال اشخاص بگردند آب در هاون می‌کوبند. می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که ابتدا باید میراث ما شناسایی و سپس احیا شود. در روزگاری که امثال مرحوم «زریاب‌خویی» ها از بین ما رفته‌اند باید تیمی برای احیای این میراث درست شود.

• برخی قول‌ها بر این است که تنها ۴۰ درصد از آثار ابن‌سینا در ایران شناسایی، احیا و منتشر شده است. شما به عنوان پژوهشگر تاریخ و فهرست‌نگار دلیل این شناسایی نکردن را در چه می‌دانید؟

ابن‌سینا به واقع یکی از حکیمان تراز اول ایران است که باید متولیان برای وی و سایر اندیشمندان ترتیبی اتخاذ کنند که مجموعه‌ای از آثار آنها منتشر شود. متأسفانه همه موسسات به دایرة‌المعارف‌نویسی روی آورده‌اند. باز هم به این نکته اشاره می‌کنم که ما هنوز در تربیت افراد برای این کار مشکل داریم. ابن‌سینا دارای زبان خاص خودش بوده است. رساله‌های بسیار زیادی منتسب به وی است که باید در درجه اول کتابشناسی درستی از آثار این اندیشمند احصا شود تا در گام بعدی بتوان آنها را احیا کرد.

• در بخشی از سخنان خود به وجود رساله‌های متعدد در کتابخانه‌های سراسر دنیا اشاره کردید چه شد که رساله‌ها و نسخه‌های خطی ایران از مرزهای این کشور خارج شدند؟

به این سوال شما می‌شود از دو نگاه حسن‌ظن و سوءظن نگاه کرد. کسانی در آن سوی دنیا بوده‌اند که علاقه‌مند به جمع‌کردن این رساله‌ها بوده‌اند. نگاه حسن‌ظن این است که شرایط نگهداری آنها در حال حاضر از ایران بهتر است یعنی رساله‌های خطی اگرچه ناشناخته‌اند اما در مکان مناسبی نگهداری می‌شوند زیرا ما ایرانیان یاد نگرفته‌ایم که از میراث فکری و فرهنگی خود درست نگهداری کنیم. در سفری که در چند سال گذشته به پاریس داشتیم شنیدیم که در پاریس ۴۰۰ سال است اشیای باستانی‌اش خراب نشده اما در ایران هر روز دیوارهای باستانی با نوشتن یادگاری‌های جدید نو می‌شود. هم‌اکنون در کتابخانه ازبکستان در

تاشکند ۴۰ هزار نسخه خطی وجود دارد که به گفته خودشان تنها ۹ هزار از آن شناسایی شده است. نگاه سوءظن نیز به یغما رفتن میراث فرهنگی در تاریخ کهن ایران است.

منبع: خبرگزاری ایبنا